

گنجینه سوال رایگان

+ پاسخ تشریحی

یاوران دانش



راه های ارتباطی با ما:

www.Dyavari.com

۰۲۱-۷۶۷۰۳۸۵۸

۰۹۱۲-۳۴ ۹۴ ۱۳۴



- ۱- عَيْنُ الْخَطَا فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ: «كَانَ الشَّبَابُ يَلْعَبُونَ بِالْكُرَةِ عَلَى الشَّاطِئِ وَ بَعْدَ اللَّعْبِ صَارُوا نَشِيطِينَ!»
- (۱) نشیطین: اسم - جمع سالم للمذکر - معرب / خبر «صار» (من الأفعال الناقصة) و منصوب
- (۲) الشَّاطِئُ: اسم - مفرد مذکر - اسم مکان - معرفة / مجرور بحرف الجرّ؛ على الشَّاطِئِ: جارّ و مجرور
- (۳) الشَّبَابُ: جمع مکسر (مفرد: شاب) - اسم فاعل - معرّف بآل - معرب / اسم «كَانَ» و مرفوع بالضمة
- (۴) يَلْعَبُونَ: مضارع (معناه يدلّ على الماضي الإستمراريّ) - مجرّد ثلاثي - لازم / فعل و فاعل؛ خبر «كَانَ» (من الأفعال الناقصة)

۲- عَيْنُ فِعْلِ «كَانَ» مُخْتَلِفًا فِي الْمَعْنَى:

- (۱) (لقد كان في يوسف و إخوته آياتٌ للسانلين)
- (۲) كانت العُرف التي تَقَعُ في الطابق الثامن نظيفة جداً!
- (۳) كانت مواعظ القرآن التي تدعوننا إلى مكارم الأخلاق نافعة!
- (۴) كان الإمام عليّ (ع) أسوة حسنة في العدالة و الأخلاق للبشر!

۳- عَيْنُ الصَّحِيح:

- (قل هو الله أحد، الله الصّمد، لم يلد و لم يولد، و لم يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ): بگو او خداوند یکتا است
- (۱) خدا بی نیاز است، نزاده و زاده نشده و کسی برایش همتا نبوده است!
- (۲) خدا بی نیاز است، نزاده و زاده نشده و هیچ گاه همتایی نداشته است!
- (۳) فقط الله بی نیاز است، از کسی زاده و متولد نشد و هیچ شریکی ندارد!
- (۴) بی نیاز فقط پروردگار است، از کسی متولد و زاده نشد و هیچ شریکی ندارد!

۴- عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) أراد قبر أن يسبّ الذی کان سبّه!: قبر می خواست که دشنام دهد به کسی که به او دشنام می داد!
- (۲) العيب الأكبر هو أن يعيب المرء ما فيه مثله!: عيب بزرگتر آن است که انسان عيب جویی کند از آنچه مانندش در خودش هست!
- (۳) ألا تعلم أنّ خيراً من الخير فاعله!: آیا نمی دانی که بهتر از خوبی، انجام دهنده اش است!
- (۴) اللهم كما حسنت خلقی فحسن خلقی!: بار الها، همان گونه که آفرینش را نیکو گردانیدی، اخلاقم را (نیز) نیکو گردان!

۵- (قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ): گفت:

- (۱) پروردگارا من به تو پناه می برم که از تو چیزی بخواهم که بدان دانشی ندارم!
- (۲) پروردگارا من به تو پناه می برم که فقط چیزی از تو بپرسم که بدان علمی دارم!
- (۳) پروردگارا بدون شک به تو پناه می برم تا من از تو چیزی نخواهم که آنرا نمی دانم!
- (۴) پروردگار من به تو پناه بردم که چیزی از تو بخواهم که مرا بدان هیچ دانشی نیست!



۶- عین خبر الأفعال الناقصة مختلفاً عن الباقي:

- (۱) كان الجيران الذين سهرروا اللّيلة الماضية أخبروا العجوز!
- (۲) إنّنا حاولنا إرضاء جميع الناس، ولكنّه كان غاية لا تُدرک!
- (۳) كان الجهّال من بين الناس يُصدّقون كلاماً فيه احتمال الكذب!
- (۴) للنّفس استخدامات كثيرة، و كان الانسان يعرفه منذ قديم الزّمان!

۷- عین الترجمة الصحيحة:

- «فی ذلك العصر كانت لبعض الشعراء الحاذقين أبياتٌ قد أنشِدت بالعربيّة و الفارسيّة فسُمّيت تلك الأشعار بالملّمع!»:
- (۱) ابیاتی را بعضی شاعران توانا در آن زمان به عربی و فارسی سرودند پس آن شعرها ملّمّع نام نهاده شده است!
 - (۲) در آن عصر بعضی از شاعران ماهر توانستند بیت هایی را به فارسی و عربی بسرایند لذا آن اشعار ملّمّع نامیده شد!
 - (۳) در آن دوره برای عده‌ای از شاعران توانا ابیاتی بود که به زبان عربی و فارسی سروده شد و آن اشعار را ملّمّع نامیدند!
 - (۴) در آن دوره برخی شاعران ماهر ابیاتی داشتند که به عربی و فارسی سروده شده است پس آن اشعار ملّمّع نامیده شده است!

۸- «دانش آموز ساکت شد؛ زیرا چیزی درباره موضوع نمی دانست!»؛ عین الصّحیح:

- (۱) صارت الطالبة ساکته لأنّها لم تعرف شيئاً حول الموضوع!
- (۲) صار الطالب ساکثاً لأنّه کان لا يعرف شيئاً عن الموضوع!
- (۳) يصير التلميذ ساکثاً لأنّه ما کان يعرف شيئاً عن الموضوع!
- (۴) أصبحت تلميذة ساکته لأنّها کانت لا تعرفین شيئاً حول الموضوع!

۹- عین الأنسب في الجواب عن الترجمة:

- «من يکتم العلم و لا يسعى لنشره کشجرة ليس لها ثمر!»:
- (۱) هرکس دانشی را کتمان کند و سعی در نشر آن ننماید، همانند درختی است که هیچ میوه‌ای ندارد!
 - (۲) هرکس با پنهان کردن دانش سعی در نشر آن نکند، به درختی ماند که میوه ندارد!
 - (۳) اگر کسی علم را پنهان کند و آن را نشر ندهد، مثل درختی ماند که بدون میوه است!
 - (۴) آنکه دانش را پنهان نماید و برای نشر آن تلاش نکند، چون درختی است که میوه‌ای ندارد!

۱۰- «فرزندان خود را به نزدیک شدن به شایستگان و دور شدن از فرومایگان نصیحت می کردم.» عین التعریب الصحيح:

- (۱) کنتُ أنصحُ أولادی بالاقتراب إلى الأفاضل و الابتعاد عن الأراذل.
- (۲) کنتُ نصحتُ أبنائی بالتّقرب إلى الأراذل و الابتعاد عن الأفاضل.
- (۳) کانت نصیحتی إلى أبنائی القُرب إلى الأراذل و الابتعاد عن الأفاضل.
- (۴) کنتُ نصحتُ أولادی بالاقتراب إلى الأفاضل و الابتعاد عن الأراذل.



۱۱- عَيْنُ الْخَطَا:

- «يا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ! كُونُوا مِنْ الْمُنْكَرِ وَالصَّابِرِينَ عَلَى الْمَشْكَلَاتِ!»
 (۱) النَّهْيَةُ عَنْ (۲) النَّاهِينَ عَنْ (۳) الدَّاعِينَ إِلَى (۴) الْمُخَالَفِينَ لِـ

۱۲- «عندنا صديقٌ يكونُ ناهياً عن العدوان و صابراً على الشَّدائد.» عَيْنُ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةُ:

- (۱) دوستی داریم که از ستم نهی می کند و شکایا در برابر سختی ها است.
 (۲) دوستی داریم که از دشمنی نهی کننده و شکایا بر سختی ها می باشد.
 (۳) دوست ما از دشمنی کردن نهی می کند و بر مشکلات استقامت می ورزد.
 (۴) نزد ما دوستی بود که از ستم نهی کننده بود و بر سختی ها شکیبایی می کرد.

۱۳- عَيْنُ الصَّحِيح:

- (۱) كُنَّا قَدْ تَعَوَّدْنَا أَنْ نَتَنَاوَلَ غَدَائِنَا فِي السَّاعَةِ الثَّانِيَةِ بَعْدَ الظُّهْرِ: عَادَتُ كَرَدِيمُ كِهْ نَاهَارْمَانْ رَا سَاعَتُ دُو بَعْدَازْظَهْرُ بَخُورِيمُ!
 (۲) وَالَّذِي الَّذِي شَجَّعْتَهُ أُمِّي عَلَى مُوَاصَلَةِ الدِّرَاسَةِ أَصْبَحَ الْآنَ أَسْتَاذًا!: پَدْرَمُ كِهْ مَادَرَمُ اَوْ رَا بِهْ اِدَامَهْیْ تَحْصِيلُ تَشْوِيقُ كَرْدُ، اَكُنُونِ اسْتَادِیْ شَدَهْ اسْتُ!
 (۳) قَالَ أَخِي: قَرَأْتُ مَرَّتَيْنِ ثَمَانِي صَفْحَاتٍ مِنَ الْكِتَابِ الرَّابِعِ!: بَرَادَرَمُ گُفْتُ: هَفْتُ صَفْحَهْ اَزْ كِتَابِ چَهَارْمُ رَا دُو بَارِ خَوَانْدَمُ!
 (۴) تِلْكَ التَّلْمِيزَةُ جَاءَتْ مِنَ الْمَدْرَسَةِ إِلَى بَيْتِهَا أُمْسُ!: آنْ دَانَشْ آمُوزِیْ اسْتُ كِهْ دِیروزْ اَزْ مَدْرَسَهْ بِهْ خَانَهْاشْ آمْدُ!

۱۴- «آن كِلاَغْ بِهْ بَقِیْهْ حَیْوَاناتْ بَا صَدایشْ هَشْدَارْ می داد!» عَيْنُ الصَّحِيح:

- (۱) كَانَ ذَلِكَ الْغُرَابُ يُحَدِّثُ بِصَوْتِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ!
 (۲) ذَلِكَ الْغُرَابُ كَانَ يُحَدِّثُ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ بِصَوْتِهِ!
 (۳) ذَلِكَ الْغُرَابُ كَانَ قَدْ حَدَّثَ بِصَوْتِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ!
 (۴) كَانَ تُحَدِّثُ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ بِصَوْتِ ذَلِكَ الْغُرَابِ!

۱۵- عَيْنُ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْحُرُوف:

- (۱) احْتِرَامُ الْقَانُونِ وَالْاِقْتِصَادِ فِي اسْتِثْلَاكِ الْمَاءِ!
 (۲) عَلَيْنَا أَنْ نَكُونَ نَاهِينَ عَنِ الْمُنْكَرِ!
 (۳) اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُتَكَبِّرِينَ!
 (۴) عَلَيْكُمْ أَنْ تَتَوَاضَعْنَ أَمَامَ أَقْرَبَائِكُمْ!

۱۶- «التفريق بين الأولاد من أخطر الظواهر التي كان نبينا العظيم يُحذِّرُ الآباءَ و الأمَّهاتِ مِنْهَا دائماً!» عَيْنُ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةُ:

- (۱) تفاوتِ قائلِ شدنِ میانِ فرزندان، از پدیده‌های بسیار خطرناکی بود که پیامبر عظیم‌الشَّانِ ما پدران و مادران را همواره از آن بازمی داشت!
 (۲) فرق گذاشتن بین فرزندان، از خطرناکترین پدیده‌هاست و پیامبر بزرگمان همیشه والدین را از آن تحذیر می کرد!
 (۳) از خطرناکترین پدیده‌هایی که پیامبر بزرگ ما پدران و مادران را بدان هشدار دائمی می داد، تفاوتِ قائلِ شدنِ بین فرزندانمان است!
 (۴) فرق گذاشتن میان فرزندان، از خطرناکترین پدیده‌هایی است که پیامبر بزرگمان همواره پدرها و مادرها را بدان هشدار می داد!



۱۷- «لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي مِيزَانِ الْأَعْمَالِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ!» عَيْنُ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةُ:

- (۱) سنگین‌ترین چیز در ترازوی اعمال، خلق نیکو نیست!
- (۲) در ترازوی اعمال سنگین‌ترین چیز، خلق نیکو هست!
- (۳) در ترازوی اعمال چیزی سنگین‌تر از خلق نیکو نیست!
- (۴) چیزی سنگین‌تر از اخلاقی نیکو در ترازوی اعمال وجود نداشت!

«بانک سوال موسسه یاوران دانش»

۱۸- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (۱) إِنِّهَا لَمَّا وَصَلَتْ إِلَى الصَّفِّ مَا كَانَ فِيهِ مَكَانٌ لِلْجُلُوسِ!؛ او زمانی به کلاس رسید که جا برای نشستن نداشت!
- (۲) فَقَالَتْ فِي نَفْسِهَا حَزِينَةً: مَاذَا أَفْعَلُ الْآنَ؟!؛ لذا غمگین با خودش گفت: حال چه می‌توانم بکنم؟!
- (۳) جَاءَتِ الْمَدِيرَةُ وَ طَلَبَتْ مِنْهَا أَنْ تَذْهَبَ إِلَى صَفِّ آخَرَ!؛ خانم مدیر آمد و از او خواست که به کلاس آخری برود!
- (۴) وَلَكِنَّهَا أَصْرَّتْ عَلَى بَقَائِهَا فِي ذَلِكَ الصَّفِّ!؛ اما او بر ماندنش در آن کلاس پافشاری کرد!

۱۹- عَيْنُ الْفِعْلِ النَّاْقِصِ يَدُلُّ عَلَى الزَّمَنِ الْمَاضِي:

- (۱) لَسْتُ قَادِرًا عَلَى أَنْ أَذْهَبَ إِلَى بَيْتِ جَدَّتِي!
- (۲) قَوْلُ أَسْتَاذِي عَنْ قِيَمَةِ الْوَقْتِ صَيَّرَنِي مُتَنَبِّهًا!
- (۳) كَانَ الْإِنْتَرْنِتُ الْيَوْمَ مِنْ أَهَمِّ حَاجَاتِ الْإِنْسَانِ!
- (۴) كَانَتْ إِيرَانَ مِنْ أَكْبَرِ الدُّوَلِ فِي الْعَصْرِ الْقَدِيمَةِ!

۲۰- عَيْنُ الْخَطِّ فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْحُرُوفِ:

- (۱) الرَّاْسِبُونَ فِي الْمَدْرَسَةِ هُمُ الَّذِينَ مَا نَجَحُوا فِي الْإِمْتِحَانَاتِ!
- (۲) قَرَأْتُ كِتَابًا حَوْلَ هَوْلَفِ مُعْجَمِ الْمُعْرَبَاتِ الْفَارِسِيَّةِ فِي الْعَرَبِيَّةِ!
- (۳) (...) أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً!
- (۴) تَذْهَبُ الزَّائِرَةُ عِنْدَ مُوْظَفِ الْإِتِّصَالَاتِ لِتَسْتَطِيعَ أَنْ تَشْتَرِيَ بَطَاقَةَ الشَّحْنِ!

۲۱- عَيْنُ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- «فِي تِلْكَ اللَّحْظَاتِ كُنْتُ أَتَذَكَّرُ جَبَلَ النُّورِ الَّذِي كَانَ نَبِيْنَا الْعَظِيمُ قَدْ تَعَبَّدَ مَرَّاتٍ فِي الْغَارِ الْوَاقِعِ فِي قَمْتِهِ!»:
- (۱) کوه نور را در آن لحظه‌ها به یاد می‌آوردم که پیامبر بزرگ ما در غار واقع بر قلّه‌ی آن بارها عبادت می‌کرد!
 - (۲) در آن لحظه‌ها کوه نور را به یاد می‌آوردم که پیامبر عظیم ما بارها در غار واقع در قلّه‌ی آن عبادت کرده بود!
 - (۳) در همان لحظه‌ها به یاد آورده بودم کوه نور را که پیامبر عظیم ما بارها در غار واقع در قلّه‌ی آن عبادت کرده است!
 - (۴) کوه بزرگ نور را در آن لحظه‌هایی به یاد می‌آوردم که پیامبر ما در غاری که در قلّه‌ی آن واقع شده بارها عبادت کرده بود!



۲۲- عَيْنِ الصَّحِيح:

- (۱) إِنَّ الْعُلَمَاءَ الْمُسْلِمِينَ كَانُوا يَتَابِعُ الْعِلْمَ لِلْجَمِيعِ!: دانشمندان مسلمان چشمه‌های همیشگی علم هستند!
- (۲) فَازَ التَّلْمِيزَانِ الْإِثْنَانِ مِنْ بَيْنِ سِتَّةِ طُلَّابٍ فِي مَسَابَقَةِ حِفْظِ الْقُرْآنِ!: از میان شش دانش‌آموز شرکت‌کننده در مسابقه‌ی حفظ قرآن دومین نفر برنده شد!
- (۳) دُعِيَتْ لِلْحَضُورِ فِي حَفْلَةٍ عَظِيمَةٍ سَتُعْقَدُ فِي مَدْرَسَتِنَا بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ!: برای حضور در جشن بزرگی که سه روز دیگر در مدرسه‌مان برگزار خواهد شد، دعوت شدم!
- (۴) كَانَ تِسْعَةُ طُلَّابٍ يَنْتَظِرُونَ فِي السَّاعَةِ الثَّامِنَةِ صَبَاحاً زِيَارَةَ أَحَدِ أَصْدِقَائِي!: هفت دانش‌آموز در ساعت هشت صبح منتظر دیدن یکی از دوستان خود بودند!

۲۳- عَيْنِ الْخَطَأِ فِي التَّرْجُمَةِ: (بِالنَّظَرِ إِلَى الْأَفْعَالِ النَّاخِصَةِ)

- (۱) لَمْ نَكُنْ نَعْلَمُ أَسْرَارَ تِلْكَ الظُّوَاهِرِ الْعَجِيبَةِ!: رازهای آن پدیده‌های عجیب را نمی‌دانستیم!
- (۲) مَا كَانَتْ عِنْدَ أَخِينَا الْكَبِيرِ فُرْصَةٌ لِلدِّرَاسَةِ فِي الْجَامِعَةِ!: برادر بزرگمان فرصتی برای تحصیل در دانشگاه نداشت!
- (۳) كُونُوا مُنْتَظَرِينَ أَمَامَ الْمَدْرَسَةِ لَكِي تَرْجِعَ الْحَافِلَةُ بَعْدَ دَقَائِقٍ!: مقابل مدرسه منتظر بودند تا اتوبوس پس از چند دقیقه بازگردد!
- (۴) كَانَتْ زَمِيلَاتِي تَحْمِلُنَ صَعُوبَاتٍ كَثِيرَةً فِي طَرِيقِ النِّجَاحِ!: هم‌شاگردی‌هایم دشواری‌های بسیاری را در مسیر موفقیت تحمل کرده بودند!

۲۴- عَيْنِ الْأَصَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي التَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ.

- «عليكم أن تكونوا صابرين على الشدائد و تتواضعوا أمام أساتذتكم و أصدقائكم!»:
- (۱) برایشان لازم است در حوادث صبور باشند و در مقابل اساتید و دوستان خود تواضع کنند!
 - (۲) شکیبایی در مشکلات و نیز فروتنی در مقابل استادان خود و دوستانتان لازم است!
 - (۳) شما باید در سختی‌ها شکیبا باشید و در برابر استادان و دوستان خود فروتنی کنید!
 - (۴) بر شما باد صبوری در سختی‌ها و تواضع کردن در برابر استادان و دوست‌ها!

۲۵- عَيْنِ الْخَطَأِ فِي التَّعْرِيبِ:

- «دیروز دانش‌آموزان مدرسه‌شان را تمیز می‌کردند و مدرسه تمیز شد!»
- (۱) كَانَ يُنْظَفُ الطُّلَّابُ مَدْرَسَتَهُمْ أَمْسَ فَصَارَتِ الْمَدْرَسَةُ نَظِيفَةً!
 - (۲) كَانَ الطُّلَّابُ يُنْظَفُونَ مَدْرَسَتَهُمْ أَمْسَ فَأَصْبَحَتِ الْمَدْرَسَةُ نَظِيفَةً!
 - (۳) كَانَتْ التَّلْمِيزَاتُ يُنْظَفْنَ مَدْرَسَتَهُمْ أَمْسَ فَصَارَتِ الْمَدْرَسَةُ نَظِيفَةً!
 - (۴) كَانَتْ تُنْظَفُ التَّلْمِيزَاتُ مَدْرَسَتَهُنَّ أَمْسَ فَأَصْبَحَتِ الْمَدْرَسَةُ نَظِيفَةً!



۲۶- عَيْنِ الْأَصَحِّ فِي الْجَوَابِ لِلترجمة:

«إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْجُهَّالِ فَإِنَّهُمْ يَضُرُّونَكَ وَ لَيْسُوا مُعِينِينَ لَكَ!»:

- (۱) از دوستی با جاهلان پرهیز، زیرا آنان به تو زیان می‌رسانند و برای یاری‌کننده نیستند!
- (۲) از دوستی با افراد بسیار جاهل حذر کن، زیرا آنان باعث آسیب به تو می‌شوند و یاری‌کننده‌ی تو نیستند!
- (۳) از صداقت جاهلان بترس، چون آن‌ها به تو آسیب می‌رسانند و تو را یاری نخواهند کرد!
- (۴) از صداقت داشتن با فرد بسیار جاهل حذر کن، چرا که به تو زیان می‌رساند و برای تو یاری‌رساننده نیست!

۲۷- «إِنَّ الْإِنْسَانَ الَّذِي يَجِدُ طَعَاماً مُنَاسِباً لِفِكَرِهِ سَتُصْبِحُ قُدْرَتُهُ لِلْفَهْمِ وَ الْعَمَلِ أَكْثَرَ!»:

- (۱) انسانی که غذای مفیدی را برای اندیشه خود بیابد نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر شده است!
- (۲) انسانی که غذای مناسبی برای فکر خود می‌یابد نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر خواهد شد!
- (۳) اگر انسان غذای مناسبی را برای اندیشه خود بیابد نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر خواهد شد!
- (۴) انسان کسی است که غذای مفیدی را برای فکر خود یافته و نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر شده است!

۲۸- عَيْنِ الْخَطَأِ:

- (۱) جَذْوَةُ الشَّمْسِ الْمُسْتَعْرَةُ كَانَتْ تُحْرِقُ الْفَلَّاحَ الْمُجَدِّ فِي الْمَزْرَعَةِ! : اخگر فروزان خورشید، کشاورز کوشا را در مزرعه می‌سوزانید!
- (۲) زَانَ اللَّهِ ظِلَامَ اللَّيْلِ بِأَنْجُمٍ قَدْ انْتَشَرَتْ كَالدُّرِّ الْجَمِيلَةِ! : خداوند تاریکی‌های شب را با ستارگانی آراست که همچون مروارید زیبا پراکنده شده است!
- (۳) لِبِلَادِنَا شَعْبٌ مُضِيَّافٌ يُرَحِّبُونَ بِضُيُوفِهِمْ بِفَرَحٍ! : کشور ما ملت مهمان دوستی دارد که با شادمانی به مهمانان خود خوش آمد می‌گویند!
- (۴) فِي الْيَوْمِ الثَّانِي مِنْ سَفَرِنَا كَانَتْ أُخْتِي الصَّغِيرَةُ قَدْ نَامَتْ سِتَّ سَاعَاتٍ دَاخِلَ السَّيَّارَةِ! : خواهر کوچکم در روز دوم از سفرمان ۶ ساعت داخل ماشین خوابیده بود!

۲۹- عَيْنِ الْخَطَأِ فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

(... يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ):

- (۱) أعلم: مفرد - اسم تفضیل للمذکر - معرفة - معرب / خبر و مرفوع ؛ مبتدؤه: الله
- (۲) يقولون: فعل مضارع - مجرد ثلاثي، له ثلاثة حروف أصلية - معلوم / فعل و فاعل ؛ مفعوله: «ما»
- (۳) يكتُمون: فعل مضارع - للجمع - مجرد ثلاثي، اسم فاعله: كاتم - معلوم / فعل و فاعل ؛ الجملة فعلية
- (۴) قلوب: جمع مكسر (مفردة: قلب، و هو مذکر) - معرب / مجرور بحرف الجرّ، في قلوب: جار و مجرور، و خبر للأفعال الناقصة

۳۰- «لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ يَظُنُّ أَنَّنِي أَقَاوِمُ هَكَذَا كَالْجِبَلِ وَ إِنِ اشْتَدَّتْ رِيَّاحُ الْيَأْسِ!» عَيْنِ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- (۱) هیچ کس فکر نکرده بود من این چنین مثل کوه مقاوم باشم اگر گردبادهای یأس شدید شوند!
- (۲) کسی گمان نمی‌کرد که من اینگونه مثل کوه مقاومت کنم اگرچه بادهای ناامیدی شدید باشند!
- (۳) کسی تصوّر نمی‌کرد که من اینگونه همچون کوه مقاوم کنم اگرچه بادهای ناامیدی شدّت گیرند!
- (۴) هیچ کس نمی‌پنداشت که من در برابر بادهای یأس همچون کوهی مقاوم کنم حتّی اگر شدّت یابند!